



جریان فقهی حرمت و عدم حرمت صورتگری در ایران شیعی

۱. فاطمه مهرابی

چکیده

مسئله تصویرگری در هنر اسلامی، بحثی درازدامن است که عمدتاً در مورد آن کلیاتی مطرح می‌شود که همه ریشه در آرا مستشرقان دارد. از آنجا که مستشرقان با نگاهی دیگر و استناد به منابع محدود در مورد هنر اسلامی قضاوت کرده‌اند، لازم می‌نماید که بار دیگر با نگاهی همانی و بررسی دقیق‌تر به مسئله تصویرگری در هنر ایران پرداخته شود. از این رو در پژوهش حاضر هدف پاسخگویی به این پرسش است که «در تمدن ایران اسلامی شیعه، احکام صادره در باب حرمت و عدم حرمت صورت و صورتگری به چه ترتیبی تغییر کرده و چه فراز و نشیبی را تا امروز از سر گذرانده است؟». در این پژوهش که با روشی توصیفی و تحلیلی انجام گرفت، داده‌های موردنیاز از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و از دل منابع دست اول فقهی شیعه استخراج شد و در یک مطالعه تطبیقی به این نتیجه رسید که فتاوی‌ای مرتبط با حرمت و عدم حرمت صورتگری، در یک بازه زمانی ده‌قرنی از حرمت محض هر دو مورد به حرمت موارد خاصی از تصویر تغییر پیدا کرد. روند تاریخی این احکام از شیخ مفید که همه امور مرتبط با صورت و صورتگری را حرام اعلام کرده بودند تا امام خمینی (ره) که با دیدی کاملاً متناسب با شرایط جامعه در مورد آن اظهار نظر کرده‌اند، تحولی کامل را نشان می‌دهد. از جمله عوامل مؤثر بر این تغییرات می‌توان به پویایی فقه شیعه و تغییر شرایط زمانه و ارتباط حکومت‌ها با دین و علما اشاره کرد.

کلمات کلیدی: حرمت تصویر، حرمت مجسمه‌سازی، فقه شیعه، تصویرگری ایرانی